

تبیین کارکردی جهت‌گیری‌های توسعه با تأکید بر تعادل منطقه‌ای (مورد مطالعه: استان آذربایجان غربی)

فرشید هاشم‌زاده قلعه‌جوق - کارشناس ارشد مهندسی شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

نادر زالی - دانشیار گروه مهندسی شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

تأیید مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

چکیده

امروزه دستیابی به رشد و توسعه پایدار یکی از مباحث عمده کشورهای، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. در کشور ایران نیز اگرچه برنامه‌های توسعه منطقه‌ای بیشتر با هدف رشد و توسعه و ایجاد تعادل‌های بین منطقه‌ای برای مناطق خاص و محروم تهیه شده‌اند، به دلایل مختلف به اهداف نهایی خود که برون‌کرد منطقه از محرومیت است، کمتر دست یافته‌اند. استان آذربایجان غربی به دلیل ویژگی و پتانسیل‌های منحصر به فرد، از جمله مناطق مهم و راهبردی است که اهمیت فوق‌العاده‌ای در برنامه‌ریزی‌های توسعه منطقه‌ای و ملی دارد. در همین راستا، در پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای، سعی شده است وضعیت برخورداری و کیفیت توزیع شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های این استان ارزیابی و تحلیل شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نبود تعادل منطقه‌ای در روند توسعه استان حاکم بوده و ارومیه (مرکز استان) با درجه توسعه ۰/۴۷۱۴ توسعه‌یافته‌ترین شهرستان است. در ادامه سعی شد به بررسی دقیق‌تر وضعیت توسعه مناطق استان پرداخته شود. برای نیل به این مهم براساس ویژگی‌های ساختار فضایی و جغرافیایی، توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها در قالب منطقه‌بندی پیشنهادی، ارزیابی و تحلیل شد. یافته‌ها حاکی از آن است که جنوب استان از لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه بررسی‌شده وضعیت مساعدتری از شهرستان‌های شمالی استان دارد. در نهایت با در نظر گرفتن شرایط فعلی و متناسب با پتانسیل‌ها و کمبودهای نواحی، پیشنهادهایی برای توسعه متعادل مناطق استان ارائه شد.

واژه‌های کلیدی: آذربایجان غربی، توسعه، عدم تعادل منطقه‌ای، منطقه‌بندی.

مقاله حاضر مستخرج از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «تدوین راهبردهای توسعه منطقه‌ای با محوریت نظریه پایه توسعه استان (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی)» به راهنمایی نویسنده دوم است.

Email: nzali@guilan.ac.ir

نویسنده مسئول

مقدمه

یکی از اهداف اصلی پایش و نظارت بر مسائل پایداری منطقه‌ای حمایت از فرایندهای تصمیم‌گیری و در نتیجه بهبود مدیریت پایدار منطقه‌ای و دستیابی به نتایج مطلوب توسعه است (Ramos, 2009: 1101). توسعه مفهومی چندوجهی است و به زبان ساده گذار جامعه از مرحله‌ای به مرحله بالاتر را شامل می‌شود (لطیفی، ۱۳۸۸: ۷۴). برخی مفهوم توسعه را ملی و حتی فراملی می‌دانند و برخی دیگر آن را در سطح منطقه‌ای و محلی جست‌وجو می‌کنند، اما هدف از هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه رسیدن به آینده‌ای مطلوب است (بزاززاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰). توسعه متعادل و متوازن مناطق، پیش‌نیازی مهم برای حصول پایداری جوامع به‌شمار می‌رود (شماعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۷) و پدیده تفاوت‌های منطقه‌ای یکی از عناصر اصلی تحلیل توسعه منطقه‌ای تلقی می‌شود. از آنجا که توزیع منابع توسعه (شامل منابع مالی، انسانی، ویژگی‌های اقلیمی، جمعیت پایه، ساختار تولید، شبکه‌های ارتباطی و مانند این‌ها) میان مناطق مختلف یکسان نیست، نمی‌توان انتظار داشت که سطح و رشد اقتصادی میان تمام اجزای ساختار فضایی یک کشور برابر باشد (غفاری‌فرد، ۱۳۹۸: ۲۳). بی‌تردید شکل‌گیری الگوی فضایی جمعیت و فعالیت در یک منطقه نیز، متأثر از شرایط متعدد اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی است و نبود توازن در جریان توسعه، نابرابری و فاصله را افزایش می‌دهد و مانعی در برابر مسیر توسعه ملی خواهد بود (توکلی‌نیا و شالی، ۱۳۹۱: ۲). تجربه دهه‌های اخیر در امور توسعه و عمران، نارسایی جهت‌گیری‌ها و الگوهای توسعه را در چارچوب نظام برنامه‌ریزی متمرکز در بیشتر کشورهای جهان ثابت کرده و شاخه جدیدی پدید آورده است که با استفاده از همه دانش‌های بشری و تکنیک‌های موجود، تکامل بیشتری به دانش برنامه‌ریزی داده است که می‌توان آن را برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به‌شمار آورد (معین‌الدینی، ۱۳۸۶: ۷۲). بیشتر کشورهای درحال توسعه از دهه ۱۹۶۰ به‌نوعی از برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای رسیدن به توسعه متعادل و کاهش شکاف مناطق استفاده کرده‌اند. در این میان، تدوین راهبردهای توسعه منطقه‌ای یکی از الزامات اساسی برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های منطقه‌ای است که عنصر بنیادی و سازنده این راهبرد، انتخاب مدل توسعه فضایی یا منطقه‌ای است (Darmansyah et al., 2014: 298). سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی در تقویت فعالیت‌های اقتصادی، توسعه مناطق محروم و در پی آن کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای داشته (Matsumoto, 2008: 480) و شناسایی نابرابری‌های و الگوهای رشد منطقه‌ای از عوامل مهم مؤثر بر تدوین چنین سیاست‌هایی هستند (Goletsis and Chletsos, 2011: 174).

از منظر تحلیلی در مفاهیم منطقه‌ای، منطقه به‌عنوان بهترین شکل سازمان‌دهی اطلاعات از نظر فضایی تلقی می‌شود و مناطق عملکردی در فرایند و اهداف برنامه‌ریزی توسعه، با اهمیت عمده‌ای مدنظر قرار می‌گیرند (Apostolache, 2014: 36). ایران که هجدهمین کشور از نظر بزرگی سرزمین و هفدهمین کشور بزرگ جمعیتی جهان است، در حال حاضر به محدوده‌هایی تقسیم‌بندی شده است که استان^۱ نامیده می‌شوند (Farmanesh, 2009: 20). با توجه به برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، استان نقش هماهنگ‌کننده مهمی در چارچوب این سرزمین ایفا کرده و با اقدامات آن، سیاست‌های دولتی و نیز کاربری زمین در مقیاس محلی، در ارتباط با چشم‌انداز راهبردی و مقیاسی گسترده تجزیه و تحلیل شده و تأثیرات این اقدامات نیز با یک فرایند هماهنگی قوی و متقابل در فعالیت‌های برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای طنین‌انداز می‌شود (Attolico, 2014: 530).

در کشور ایران نیز که از دهه‌های قبل اتکا به مدل‌های کلان و برجسته‌شدن نگرش بخشی، مبنای تهیه برنامه‌های توسعه قرار گرفته است، شکاف میان سیاست‌های رشد اقتصادی و توسعه مناطق کشور روزافزون شده و توزیع عادلانه امکانات و محرومیت‌زدایی که از مهم‌ترین دغدغه‌های مطرح‌شده مسئولان از ابتدای انقلاب تاکنون بوده است، در اثر نگرش تمرکزگرا و اقتصادمحور نه‌تنها بی‌تعدالی‌ها را در پهنه سرزمین کاهش نداده‌اند، بلکه گاهی موجب تشدید عدم تعادل منطقه‌ای نیز شده‌اند و ثروت و منابع مالی به‌سوی مناطق مرکزی و فقر و محرومیت به‌سوی مناطق دوردست گسیل یافته است (موسوی، ۱۳۹۶: ۵۲).

استان آذربایجان غربی یکی از مهم‌ترین مناطق مرزی و راهبردی کشور است که از لحاظ برخورداری از ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی، ظرفیت‌های بالایی برای رشد و توسعه دارد و از اهمیت فراوانی در برنامه‌ریزی‌های توسعه برخوردار است، اما با وجود اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های متعدد شهری و منطقه‌ای، به دلایل متعددی مانند بی‌توجهی به منابع سطوح محلی و منطقه‌ای، کم‌توجهی به ظرفیت‌سازی در سطوح محلی و منطقه‌ای، ابهام در تعیین سطوح مناطق برنامه‌ریزی و بخشی‌نگری به توسعه که از اصلی‌ترین موانع توسعه این استان محسوب می‌شوند، به اهداف خود دست نیافته و رشد و توسعه مدنظر نیز حاصل نشده است. با آگاهی از این موضوع که توسعه مفهومی مطلق ندارد و نسبی است، می‌توان گفت که درک آن تنها در قیاس امکان‌پذیر است؛ به این معنا که برای پی‌بردن به میزان توسعه هر منطقه یا فضای جغرافیایی ضروری است که در مقایسه با سایر مناطق و فضاها سنجیده شود یا اینکه به مطالعه و بررسی درون منطقه‌ای توسعه پرداخته شود. همچنین با در نظر گرفتن این موضوع که نبود تعادل و توازن در توسعه در مقیاس منطقه‌ای و استانی در بیشتر نواحی ایران وجود دارد، اساس ارزیابی و تحلیل ما باید بر مبنای تفاوت میان مناطق (تفاوت‌های بین شهرستانی به‌طور خاص در این پژوهش) باشد تا توازن و تعادل منطقه‌ای (تعادل درون منطقه‌ای در این پژوهش) با ساختار و نظام فضایی در روند توسعه استان حاکم سازگار باشد. برای این منظور و با توجه به اهمیت فراوان مطالعات سطح منطقه‌ای در سیاست‌گذاری‌های توسعه، هدف پژوهش حاضر ارزیابی ویژگی‌های توسعه منطقه‌ای در استان آذربایجان غربی با شناسایی و مقایسه جایگاه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان بر مبنای شاخص‌های منتخب و تحلیل جهت‌گیری‌های توسعه در قالب مناطق برنامه‌ریزی پیشنهادی است.

مبانی نظری پژوهش

اهمیت تقسیمات کشوری در مقوله برنامه‌ریزی

سازمان‌دهی سیاسی فضای هر کشور در قالب تقسیمات کشوری به اجرا درمی‌آید. تقسیمات کشوری از مهم‌ترین عواملی است که یک نظام سیاسی باید برای تهیه و اجرای برنامه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فضایی و زیست‌محیطی و همچنین اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر به آن توجه کند (غلامرضایی و حسن‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۷۸). در واقع تقسیمات کشوری، ساختار اداری-سیاسی و سرزمینی یک کشور به‌صورت سلسله‌مراتبی است که با تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر همراه با سیستم دولت محلی ویژه شکل می‌گیرد و بستر و چارچوب مناسبی برای اجرای برنامه‌های مختلف فراهم می‌کند. هرچقدر که این مقوله مناسب و اصولی‌تر باشد، امکان موفقیت برنامه‌ریزی‌ها بیشتر خواهد شد؛

بنابراین می‌توان گفت این تقسیمات از اساسی‌ترین مسائلی است که برای هرگونه برنامه‌ریزی در سطح کشور به‌طور اعم و برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سطح واحدها به‌طور خاص صورت می‌گیرد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

نظام تقسیمات کشوری ایران

تقسیمات کشوری و سازمان‌دهی سیاسی فضا در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. از لحاظ زمانی می‌توان عوامل مؤثر در نحوه تقسیمات کشوری را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. دوره تاریخی (از شکل‌گیری هخامنشیان تا تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری): در این دوره، وسعت جغرافیایی مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نحوه این تقسیمات بوده است و نه تنها یک عامل مؤثر، بلکه دلیل وجودی شکل‌گیری اندیشه تقسیمات کشوری نیز به حساب می‌آید.

۲. دوره معاصر (از زمان تصویب اولین قانون تقسیمات کشوری تا حال): در این دوره عوامل متعددی بر الگوی تقسیمات تأثیرگذار بوده‌اند که به‌طور کلی شامل شاخص‌های رسمی و قانونی، عوامل جغرافیایی - سیاسی و امنیتی - راهبردی و عوامل غیررسمی هستند. در میان آن‌ها شکل حکومت و نوع رژیم سیاسی که یک عامل جغرافیایی - سیاسی است، بیشترین تأثیر را در تقسیمات کشوری داشته است. سطوح تقسیمات کشوری در بعضی از مناطق ایران به‌حدی کوچک شده که مدیریت آن‌ها را در ارتباط با شهرستان، بخش و دهستان نامتبادل کرده است. همچنین افزایش سطوح تقسیماتی در یک استان یا شهرستان، وزن‌های متفاوت و حتی متضادی را به سطوح پایین داده است. این نامتعدالی سطوح در تخصیص امکانات یا اعتبارات بیشتر دیده می‌شود (بلوچی و لطفی، ۱۳۹۶: ۲۵).

اصلی‌ترین مؤلفه‌های تقسیمات کشوری

اگرچه مؤلفه‌ها و مسائل مرتبط با تقسیمات کشوری در ایران، بنا به مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی و امنیتی بسیار است، با مطالعه و ارزیابی دقیق شاخص‌های اصلی، به چهار مؤلفه با نقش اساسی اشاره می‌کنیم:

۱. جمعیت: گرایش مسلط در الگوی تقسیماتی موجود به سمت جمعیت بوده که گاهی با عامل سیاسی همراه شده است.
۲. مؤلفه وسعت و قلمرو: قلمروها تعیین‌کننده مرکزیت‌ها و محدوده‌های واحدهای تقسیمات سیاسی بوده‌اند و از این نظر اهمیت دارند که حوزه نفوذ و تقابل نمایندگان سیاسی را در جغرافیای خاص نشان می‌دهند.
۳. همگنی جامعه در قانون تقسیمات کشوری: به‌عنوان اشتراکات اجتماعی، فرهنگی، قومی و سرزمینی تعریف شده است.
۴. دسترسی و فاصله: توزیع خدمات درون یک جامعه معمولاً براساس مرکزیت هندسی تقاطعی در نظر گرفته می‌شود که مردم دسترسی بیشتری داشته باشند. این نقاط برتر، مرکز بخش یا استان شناخته می‌شود (شکور و همکاران، ۱۳۹۳: ۴).

توسعه و توسعه منطقه‌ای

براساس دیدگاه‌ها و نظریه کارشناسان امر، تعاریف مختلفی برای اصطلاح «توسعه» وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افزایش تولید اقتصادی و بهره‌وری، بهبود هر دو شاخص کمی و کیفی استانداردهای زندگی، بهبود سطح خدمات بهداشتی و امنیتی، کاهش بیکاری و تورم و تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی (Fanni et al., 2014: 80). توسعه به‌عنوان پروژه جهانی، فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر شامل انجام فعالیت‌هایی برای رسیدن به رشد

مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان بوده و هدف اصلی آن، حذف نابرابری‌هاست. بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (کریم‌زاده و کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۱). تجربه چند دهه گذشته، به‌ویژه در دو دهه آخر قرن ۲۰، حاکی از تغییری اساسی در معنای توسعه بوده که درنهایت به‌صورت الگوی توسعه پایدار و متعادل متجلی شده است (Sharifzadegan et al., 2011: 187).

یکی از ابعاد توسعه، توسعه منطقه‌ای است که مفهومی جدید در برنامه‌ریزی و هدف آن دستیابی به ثبات در استانداردهای زندگی شهروندان است؛ بدین معنا که چگونه می‌توان برای ناحیه‌ای که شامل چندین شهر بزرگ در یک منطقه، استان یا ایالت باشد، برنامه‌ریزی کرد تا بتوان در سطح ملی و جهانی به برتری نسبی دست یافت و پیشرفت و رشد آن منطقه را همگن کرد (ایمانی، ۱۳۹۹: ۲۱). توسعه منطقه‌ای، تلاشی است که در راستای استفاده از منابع منطقه‌ای به‌منظور رفاه مردم با در نظر گرفتن حفاظت عملکردهای زیست‌محیطی، از آن بهره گرفته شده (Nurohmah et al., 2014: 71) و بنا به عقیده استفان^۱ یک مفهوم جدید با هدف ایجاد چارچوبی مناسب برای دستیابی به بهبود قابل توجه و پایدار استانداردهای زندگی شهروندان و کاهش بیکاری، تنوع‌بخشی و افزایش فعالیت‌های اقتصادی، تحریک سرمایه‌گذاری در بخش‌های خصوصی و عمومی و ارتقای محیط اقتصادی محلی و منطقه‌ای جذاب، به‌منظور حمایت از توسعه اجتماعی و اقتصادی پایدار است (Apostolache, 2014: 36).

سیاست‌گذاری منطقه‌ای

سیاست‌گذاری منطقه‌ای عبارت است از همه کوشش‌های آگاهانه و عمدی که از سوی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد تولید انواع کالاها و خدمات، تسهیل حمل‌ونقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی انجام می‌شود. سیاست‌های منطقه‌ای نیز بازتاب تعامل متقابل تحول اقتصادی-اجتماعی یک ملت و فلسفه اقتصادی-اجتماعی غالب زمانه است (پاپلی یزدی و رجیبی، ۱۳۹۰: ۳۸). در واقع سیاست منطقه‌ای یکی از روش‌های مداخله دولت ملی در توزیع فعالیت‌های گوناگون میان مناطق مختلف آن است و معمولاً در توزیع فعالیت‌های اقتصادی متمرکز شده است. راهبرد توسعه منطقه‌ای مطلوب راهبردی است که:

در چارچوب سازمانی، اقتصادی و اجتماعی خود تعبیه شده باشد.

چشم‌انداز گسترده مشتری‌کی برای توسعه آینده منطقه مشخص کند.

در طول تهیه و آماده‌سازی راهبرد، به شیوه‌ای روشن و مولد در تعامل با ذی‌نفعان باشد.

سازوکارهای واضح و شفاف برای ارائه، مشخص و تعریف کند.

سرمایه‌گذاری‌ها و اقدامات کلیدی را فازبندی و مرحله‌بندی کند.

چارچوبی ساده، اما مؤثر به‌منظور امر پایش و نظارت برقرار کند (Adams and Harris, 2005: 12).

برنامه‌ریزی متعادل منطقه‌ای و ضرورت تقسیم کار درون منطقه‌ای در سیاست‌گذاری‌های توسعه

در دیدگاه‌های تبیین‌کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا از اهمیت

خاصی برخوردار است (هادیانی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۲۹). همچنین وجود نابرابری و عدم تعادل فضایی در میان ساکنان نواحی مختلف یک کشور نیز پدیده‌ای است که تازگی ندارد. از سوی دیگر نتایج حاصل از رشد و توسعه اقتصادی به‌شکلی نابرابر میان مناطق مختلف کشورها توزیع شده و مشکلات بسیاری را برای آن‌ها به‌دنبال داشته است؛ بنابراین یکی از موانع عمده در راه رسیدن به تعادل منطقه‌ای، وجود نابرابری‌های فضایی در مناطق و میان آن‌هاست (علیزاده دولت‌آبادی و شایان، ۱۳۹۸: ۱۹). نابرابری‌های منطقه‌ای از دو زمینه اصلی نشئت می‌گیرند: نخست شرایط طبیعی هر منطقه جغرافیایی و دوم تصمیم‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی که فاکتور اخیر، نقش بسیار مهمی در ایجاد اختلافات منطقه‌ای دارد (Zali et al., 2013: 184). تا زمانی که نابرابری منطقه‌ای وجود دارد، برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز اجتناب‌ناپذیر است (آمرادنژاد، ۱۳۸۷: ۱۷۶)؛ بنابراین می‌توان گفت بی‌تعادلی‌های محیطی در سطح یک منطقه، که بخشی از آن ناشی از درپیش‌گرفتن سیاست قطب‌رشد و بخشی نتیجه نبود هماهنگی میان بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه است، لزوم استفاده از علم برنامه‌ریزی منطقه‌ای را آشکار می‌کند؛ به‌طوری‌که مورگان و والدن (۱۹۷۴) معتقدند برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرایندی است که برای ایجاد سازگاری میان برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی از یک سو و حکومت محلی از سوی دیگر تلاش می‌کند (تقوایی و بای، ۱۳۹۱: ۲).

تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی، نابرابری در نواحی جغرافیایی را در پی دارد. به عبارت دیگر تخصیص منابع و امکانات به مناطق خاص و محروم‌کردن سایر مناطق از این تسهیلات سبب نابرابری منطقه‌ای می‌شود؛ مسئله‌ای که بازتاب آن را در رشد ناهمگون و نابرابر شهرهای ایران نیز می‌توان مشاهده کرد. بی‌تردید مهم‌ترین رویکردهای تبیین‌کننده برخورداری را می‌توان منطبق با برنامه‌ریزی فضایی و منطقه‌ای قلمداد کرد. این برنامه‌ریزی گامی مؤثر در افزایش برخورداری مناطق از انواع خدمات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیربنایی و... است؛ از این‌رو شناسایی جایگاه مناطق در مقایسه با یکدیگر از نظر توسعه اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است (پریزادی و میرزازاده، ۱۳۹۷: ۱۸۰). تعادل در توسعه تأثیر بسیاری بر زندگی اجتماعی و اقتصادی ساکنان دارد. مطالعه و پژوهش در این زمینه از هر دو اهمیت نظری و عملی برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، متخصصان و دانشگاهیان برخوردار است (Yan et al., 2015: 46). دستیابی به رشد متعادل و توسعه پایدار نیز نیازمند برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای است صحیح که معمولاً بعد از برنامه‌ریزی ملی و به‌عنوان یک برنامه بعد از سطح ملی انجام می‌گیرند که هدف آن‌ها، استفاده بهینه از منابع برای توسعه منطقه بوده و شناخت توان‌ها و تنگناهای منطقه جزو مبانی کار به‌حساب می‌آیند (پورمجیدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳). در کشورهایی مانند ایران با توجه به ضرورت توسعه یکپارچه و متوازن، شناخت ویژگی نواحی مختلف و نابرابری‌ها در هر برنامه‌ریزی اساس کار به‌شمار می‌آید؛ چراکه هدف توزیع مطلوب جمعیت و امکانات در سطح منطقه‌ای است (بیات، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

با وجود سابقه و قدمت سیاست‌گذاری توسعه منطقه‌ای در ایران، در بیشتر این اقدامات همواره این نکته مدنظر قرار گرفته که ایران سرزمینی وسیع بوده و تنوع و تکثر، وجه غالب آن را تشکیل داده است؛ بنابراین دستیابی به اهداف کلان توسعه ملی مشروط به درک و شناخت همه‌جانبه سطوح محلی و منطقه‌ای است. ضمن اینکه برنامه‌ریزی‌های ملی بدون واسطه برنامه‌ریزی‌های محلی و منطقه‌ای قادر به شناخت پتانسیل‌ها و محدودیت‌های محلی و منطقه‌ای نیست و در تدوین اهداف توسعه‌ای خود با مشکلات اساسی مواجه می‌شود. نتیجه این امر کم‌توجهی به تحول الگوهای سیاست

گذاری توسعه منطقه‌ای و در نتیجه تحقق نیافتن کامل اهداف آن‌هاست؛ امری که بنا به دلایل متعدد تاکنون نیز چنین بوده است (فرجی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۰). همچنین برنامه‌ریزی فضایی بر مبنای آمایش سرزمین و تقسیم کار ملی میان مناطق یا تقسیم کار منطقه‌ای میان نواحی نیز مدنظر قرار نگرفته و موجب غفلت از امکانات، فرصت‌ها، ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و نیازهای منطقه‌ای-محلی در بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است. پیامد مشخص این وضعیت، توزیع تصادفی فرصت‌ها، امکانات و منابع در پهنه مناطق و تشدید بی‌عدالتی و بی‌توازی توسعه در سطح منطقه‌ای و در مرحله بعد بازتولید آن با علیت‌های انباشتی ناشی از سرمایه‌گذاری‌های قبلی است (زالی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). با این حال اگرچه توجه به سیاست‌های کلان در امر سیاست‌گذاری منطقه‌ای (درون‌استانی) به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است، به این معنا نیست که آنچه در سطح ملی مناسب است، برای تمام استان‌ها و مناطق نیز مفید واقع می‌شود. بی‌توجهی به همین نکته، یعنی نادیده گرفتن استعدادهای توانایی‌ها و مزیت نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی سبب شده است که سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و با وجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی، همچنان روند توسعه نیافتگی در بعضی مناطق ادامه پیدا کند و روزبه‌روز شاهد افزایش شکاف مناطق مختلف کشور از نظر تولید و اشتغال باشیم (اکبری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۲).

به‌طور کلی مرور نگرش‌های موجود در زمینه سیاست‌گذاری توسعه محلی و منطقه‌ای در ایران نشان می‌دهد نوع سیاست‌گذاری‌ها آمرانه و از بالا به پایین و در چارچوب سیاست‌های بخشی (برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب) بوده است که در آن بر توسعه بخش‌های خاصی در یک منطقه (چند شهرستان، سطح استان یا چند استان) همراه با پروژه‌های عمرانی و ارتقای شاخص‌های خدماتی بوده است. نگرش‌های آمایشی-فضایی نیز اگرچه از چندین دهه پیش وجود داشته است، به دلیل نبود سازوکارهای مشخص نهادی در زمینه تهیه، تصویب و اجرای آن‌ها و نبود تعریف مشخص از سطح منطقه نتوانسته‌اند به‌عنوان رویکرد غالب در سیاست‌گذاری منطقه‌ای در ایران ایفای نقش کنند (فرجی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷). در همین راستا برای رسیدن به تعادل، توسل به برنامه‌ریزی منطقه‌ای که در پی ایجاد تعادل «درون منطقه‌ای» و «بین منطقه‌ای» است، می‌تواند مفید باشد. رسیدن به تعادل بین منطقه‌ای نیز مستلزم برقراری تعادل درون منطقه‌ای است و برای نیل به این هدف باید برنامه‌ها و اقداماتی برای یکسان‌سازی بخش‌های نامتعادل اجرا شود و برای این منظور، شناخت بخش‌های گوناگون منطقه مدنظر ضروری است (کریم‌زاده و کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی- توسعه‌ای و توصیفی- تحلیلی است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز به‌کمک مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و با استفاده از سالنامه آماری استان، گزارش‌های اقتصادی- اجتماعی استان، اداره‌ها و سازمان‌های مربوط گردآوری شده‌اند. در بخش یافته‌های پژوهش، در اولین گام با بهره‌گیری از تکنیک تاکسونومی عددی و روش تحلیل خوشه‌ای، جایگاه شهرستان‌های آذربایجان غربی از لحاظ توسعه‌یافتگی تعیین و تحلیل شده‌اند. در ادامه با بررسی و شناخت ویژگی‌های جغرافیایی و ساختار فضایی استان شامل وسعت، گسترش افقی، ویژگی‌های همگن شهرستان‌ها،

وضعیت توسعه منطقه‌ای در قالب مناطق برنامه‌ریزی پیشنهادی پژوهش به‌طور دقیق‌تر ارزیابی و تحلیل شدند. درنهایت با در نظر گرفتن شرایط فعلی استان و مبتنی بر نتایج پژوهش، راهکارهایی مناسب برای دستیابی به توسعه متعادل منطقه‌ای در آذربایجان غربی پیشنهاد شده‌اند. به‌منظور سطح‌بندی شهرستان‌های استان، از ۵ دسته شاخص و ۳۳ زیرشاخص توسعه استفاده شده است که در جدول ۱ به شرح زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

جدول ۱. شاخص‌های اصلی و زیرشاخص‌های منتخب برای بررسی توسعه‌یافتگی

شاخص‌های اصلی	زیرشاخص‌ها
شاخص‌های کلی	درصد شهرنشینی، معکوس بعد خانوار، چگالی جمعیت، معکوس تراکم خانوار ^۱
شاخص‌های اقتصادی	نرخ اشتغال، معکوس ضریب تکفل، درصد شاغلان بخش صنعت در مقایسه با کل شاغلان، درصد شاغلان بخش آموزش به کل شاغلان، تعداد کارگاه‌های صنعتی با ۱۰ نفر و بیشتر کارکن به ازای ۱۰ هزار نفر، تعداد واحدهای صنعتی به ازای ۱۰ هزار نفر
شاخص‌های تولیدی و توسعه صنعتی	تعداد پروانه بهره‌برداری صنعتی صادر شده به ازای ۱۰ هزار نفر، تعداد جواز تأسیس صادر شده از سوی اداره صنعت به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، نسبت فروش برق در بخش صنعت و معدن به کل برق مصرفی، کل تولید مراتع (تن در هکتار)، ارزش کل تولیدات معادن (میلیون ریال)، تعداد شاغلان شرکت‌های تعاونی فعال صنعتی به ازای ۱۰ هزار نفر
شاخص‌های اجتماعی	درصد باسوادی کل، درصد باسوادی زنان، نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در مراکز روستایی، درصد پوشش شبکه‌های تلویزیونی، تعداد تخت بیمارستان به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، سرانه مراکز بهداشتی-درمانی روستایی، سرانه مراکز بهداشتی-درمانی شهری ^۲ ، تعداد پزشک متخصص به ازای ۱۰ هزار نفر جمعیت، تعداد داروخانه به ازای ۱۰ هزار نفر، تعداد آزمایشگاه به ازای ۱۰ هزار نفر
شاخص‌های زیربنایی	طول راه‌های غیرروستایی به ازای ۱۰۰ کیلومتر مربع مساحت، نسبت راه آسفالت روستایی به راه‌های روستایی، درصد خانوار روستایی برخوردار از برق، درصد خانوار روستایی برخوردار از گاز، تعداد شرکت تعاونی روستایی به ازای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت روستایی، واحدهای پستی خدمات پیشتاز به ازای ۱۰۰ هزار نفر، ظرفیت تأمین آب مخازن (لیتر بر ثانیه)

منبع: سالنامه آماری و گزارش‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی آذربایجان غربی، ۱۳۹۸

استفاده از تاکسونومی عددی در فرایند تحلیل

به‌منظور بررسی تفاوت منطقه‌ای و بخشی ابتدا ضروری است مناطق مختلف یا فعالیت‌های بخش‌های معین رتبه‌بندی شوند و اگر بخواهیم این رتبه‌بندی را به مدد شاخص‌هایی چند انجام دهیم، حل مسئله به‌سادگی نیست، اما اگر بتوان برای هر منطقه یا فعالیت براساس شاخص‌های متعدد، شاخص واحدی با عنوان شاخص تلفیقی یا ترکیبی به‌دست آورد که نشان‌دهنده معیاری برای توسعه‌یافتگی یا برخورداری هر منطقه باشد، تحلیل جامع‌تری از موضوع ارائه می‌شود. اکنون با توجه به اینکه می‌خواهیم مناطق مختلف را با توجه به چندین شاخص مرتبط رتبه‌بندی کنیم، از روش آنالیز تاکسونومی عددی که نوع خاصی از روش آنالیز تاکسونومی است، استفاده می‌کنیم (محمودی و زیاری، ۱۳۹۳: ۴۴).

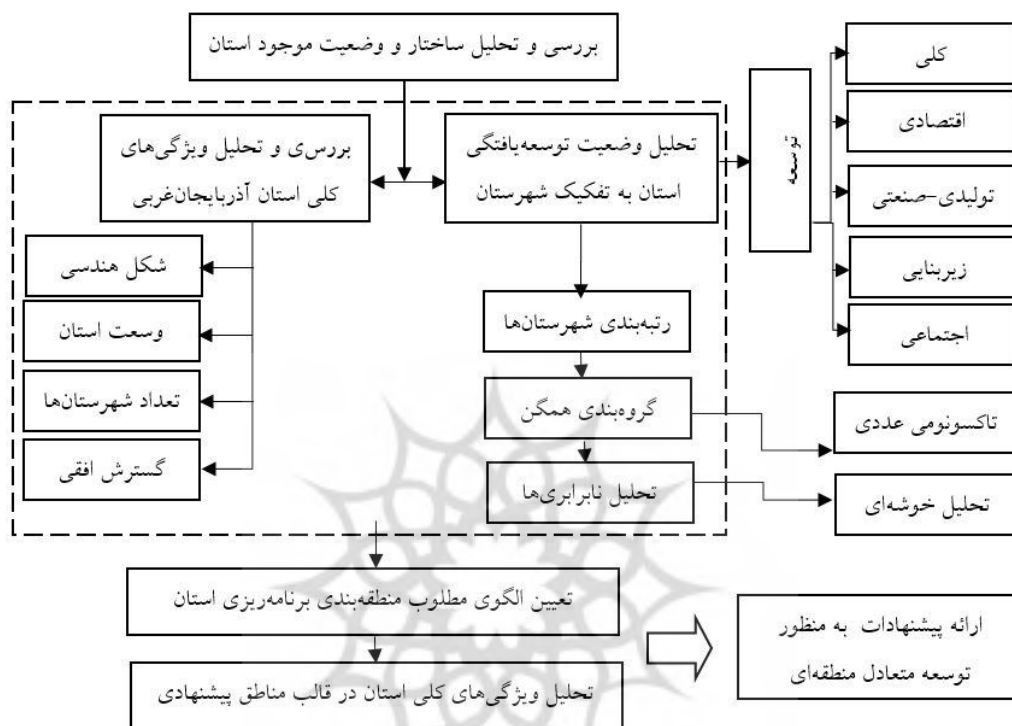
کاربرد تحلیل خوشه‌ای^۳ در پژوهش

به‌منظور سنجش درجه برخورداری شهرستان‌های استان، روش‌های آماری متعددی طراحی شده‌اند. تحلیل خوشه‌ای از جمله روش‌هایی است که قادر خواهد بود با تلفیق مجموعه‌ای از شاخص‌ها، یک مجموعه را به زیرمجموعه‌های کم و بیش همگن تقسیم و میزان برخورداری هر منطقه را مشخص کند. تحلیل خوشه‌ای یک روش آماری چندمتغیره است که در آن

۱. تراکم خانوار، نسبت تعداد خانوار به تعداد واحد مسکونی

۲. سرانه مراکز بهداشتی و درمانی به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر محاسبه شده است.

هیچ فرضی دربارهٔ تعداد گروه‌ها با ساختمان آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود و دسته‌بندی کردن براساس مشابهت یا فاصله‌ها (تشابه‌نداشتن) انجام می‌شود؛ یعنی برخی نمونه‌ها از نظر چندین متغیر، اندازه‌گیری یا شمارش می‌شوند و با استفاده از روش خوشه‌ای کردن، به طبقات یا دسته‌های مشابه و غیرمشابه بسته به هدف تحقیق دسته‌بندی می‌شوند (فتحی و آسایش، ۱۳۸۹: ۲۲). در این پژوهش نیز با توجه به ماهیت موضوع و هدف نهایی، از این روش استفاده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارندگان

محدوده مورد مطالعه

استان آذربایجان غربی با وسعت ۳۷,۴۱۲ کیلومترمربع (بدون احتساب دریایچهٔ ارومیه) در شمال غربی ایران واقع شده و حدود ۲/۲۵ درصد از مساحت کل کشور را به خود اختصاص داده است و سیزدهمین استان بزرگ کشور محسوب می‌شود (سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۷). این استان براساس آخرین تقسیمات کشوری، ۱۷ شهرستان، ۴۱ بخش، ۱۱۴ دهستان و ۴۷ نقطهٔ شهری دارد. همچنین براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد کل جمعیت آن ۳,۲۶۵,۲۱۹ نفر است که ۴/۱ درصد جمعیت کل کشور را در خود جای داده است و از این لحاظ، هشتمین استان پرجمعیت کشور به‌شمار می‌آید. از این تعداد ۱,۰۴۰,۵۶۵ نفر معادل ۳۱/۸۶ درصد در شهرستان ارومیه (مرکز استان) ساکن هستند. این شهرستان حدود سه برابر خوی (شهرستان دوم از لحاظ جمعیتی) جمعیت دارد و بیش از ۵۰ درصد جمعیت استان در سه شهرستان ارومیه، خوی و میاندوآب ساکن هستند و کمتر از ۵۰ درصد جمعیت نیز در سایر شهرستان‌های استان زندگی می‌کنند. پلدشت نیز کم‌جمعیت‌ترین شهرستان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش

پایین‌بودن شاخص‌های توسعه در استان آذربایجان غربی

جست‌وجو در منابع و بررسی پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره سطح‌بندی استان‌های کشور از لحاظ شاخص‌های توسعه، حاکی از پایین‌بودن درجه توسعه‌یافتگی استان آذربایجان غربی در مقایسه با سایر استان‌ها و محروم‌بودن این استان است. این موضوع در مقیاس منطقه‌ای و درون‌استانی نیز خود را نمایان کرده است. همچنین نابرابری میان شهرستان‌های استان درباره مجموع شاخص‌های توسعه در بخش‌های مختلف مشاهده می‌شود. این موضوع یکی از ویژگی‌های استان‌های کشور از جمله آذربایجان غربی است. به‌منظور تحقق اهداف پژوهش، جایگاه شهرستان‌ها براساس شاخص‌های توسعه مشخص شده است. در این بخش، با استفاده از تکنیک‌های تاکسونومی عددی و تحلیل خوشه‌ای به سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در استان پرداخته شده است. سطح توسعه‌یافتگی و رتبه شهرستان‌ها به تفکیک هریک از شاخص‌های توسعه در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲. رتبه‌بندی شهرستان‌های آذربایجان غربی براساس سطح توسعه‌یافتگی در بخش‌های مختلف

شهرستان	شاخص‌های کلی		شاخص‌های اقتصادی		شاخص‌های تولیدی و توسعه صنعتی		شاخص‌های اجتماعی		شاخص‌های زیربنایی		مجموع شاخص‌ها	
	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره	رتبه	نمره
ارومیه	۱	۰/۳۳۱۴	۲	۰/۴۶۲۶	۱	۰/۳۷۶۵	۱	۰/۵۰۹۱	۲	۰/۵۵۶۸	۱	۰/۴۷۱۴
اشنویه	۵	۰/۶۰۹۹	۱۴	۰/۸۲۶۵	۷	۰/۶۳۲۸	۱۴	۰/۸۸۸۴	۱۴	۰/۸۵۹۷	۱۲	۰/۸۰۴۶
بوکان	۴	۰/۶۰۱۸	۱۳	۰/۷۹۸۹	۱۳	۰/۸۲۴۹	۱۰	۰/۷۷۷۳	۵	۰/۶۸۸۵	۱۰	۰/۷۷۶۳
پیرانشهر	۱۵	۰/۹۰۴۶	۱۵	۰/۷۸۴۴	۱۲	۰/۸۰۰۸	۱۲	۰/۹۶۸۴	۱۶	۰/۹۲۷۲	۱۵	۰/۹۱۴۸
پلدشت	۱۶	۰/۹۲۷۱	۱۶	۰/۸۹۰۹	۱۵	۰/۹۰۵۱	۱۷	۰/۸۹۲۳	۶	۰/۷۲۱۱	۱۶	۰/۹۳۰۵
تکاب	۱۰	۰/۶۷۰۴	۱۰	۰/۶۲۶۵	۶	۰/۵۶۲۶	۴	۰/۷۴۶۸	۸	۰/۷۳۱۸	۶	۰/۶۹۷۲
چالدران	۱۷	۰/۹۲۷۶	۱۷	۰/۹۱۵۹	۱۶	۰/۸۴۷۴	۱۶	۰/۹۲۱۵	۱۶	۰/۹۳۴۲	۱۷	۰/۹۶۱۷
خوی	۶	۰/۶۲۹۸	۶	۰/۴۳۸۲	۱	۰/۵۶۰۶	۳	۰/۷۴۷۷	۴	۰/۶۳۰۶	۲	۰/۶۳۳۸
سردشت	۱۲	۰/۷۷۲۳	۱۲	۰/۹۰۹۹	۱۶	۰/۸۳۲۵	۱۴	۰/۷۷۶۸	۹	۰/۷۴۳۱	۱۳	۰/۸۴۲۳
سلماس	۱۳	۰/۷۹۶۷	۱۳	۰/۷۰۹۰	۸	۰/۶۹۳۱	۱۰	۰/۸۲۸۸	۱۲	۰/۷۹۸۰	۱۱	۰/۷۹۷۵
شاهین‌دژ	۷	۰/۶۴۰۵	۷	۰/۶۰۳۳	۱۱	۰/۷۴۲۰	۱۱	۰/۷۰۴۴	۶	۰/۷۵۲۰	۸	۰/۷۱۸۱
شوط	۱۴	۰/۸۳۰۹	۱۴	۰/۷۶۱۶	۱۱	۰/۸۴۵۳	۱۵	۰/۸۳۵۹	۱۳	۰/۹۰۳۲	۱۴	۰/۸۶۹۷
ماکو	۸	۰/۶۴۶۲	۸	۰/۷۶۰۱	۹	۰/۶۸۸۷	۹	۰/۵۶۹۹	۲	۰/۸۰۶۵	۱۳	۰/۷۲۰۸
مهاباد	۳	۰/۵۶۱۹	۳	۰/۶۵۲۸	۷	۰/۵۹۸۹	۶	۰/۶۷۹۴	۴	۰/۷۲۳۹	۷	۰/۶۷۳۹
میاندوآب	۹	۰/۶۶۵۲	۹	۰/۵۴۸۲	۴	۰/۶۳۵۸	۸	۰/۷۰۲۴	۵	۰/۶۲۹۷	۳	۰/۶۶۴۰
نقده	۲	۰/۵۰۴۴	۲	۰/۷۶۰۰	۹	۰/۵۴۷۶	۲	۰/۶۶۴۶	۳	۰/۵۳۳۰	۱	۰/۶۳۴۲
چاپاره	۱۱	۰/۷۴۷۱	۱۱	۰/۵۰۲۹	۳	۰/۵۸۲۷	۵	۰/۷۷۹۴	۱۱	۰/۷۹۲۳	۱۱	۰/۷۰۳۵

منبع: نگارندگان

سطح‌بندی شهرستان‌های استان از لحاظ مجموع شاخص‌ها، حاکی از وجود سه گروه همگن از شهرستان‌ها با شرایط مشابه است. ارومیه مرکز استان از لحاظ میزان برخورداری از کل شاخص‌های توسعه در سطح اول قرار دارد. شهرستان‌های تکاب، خوی، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده و چاپاره با درجه توسعه بین ۰/۶۷۰۴ - ۰/۵۰۴۴ در سطح دوم قرار دارند. در نهایت شهرستان‌هایی که درجه توسعه آن‌ها بین ۰/۹۶۱۷ - ۰/۷۷۶۳ است، در سطح سوم جای گرفته‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. نتایج گروه‌بندی همگن شهرستان‌های استان به کمک روش تحلیل خوشه‌ای

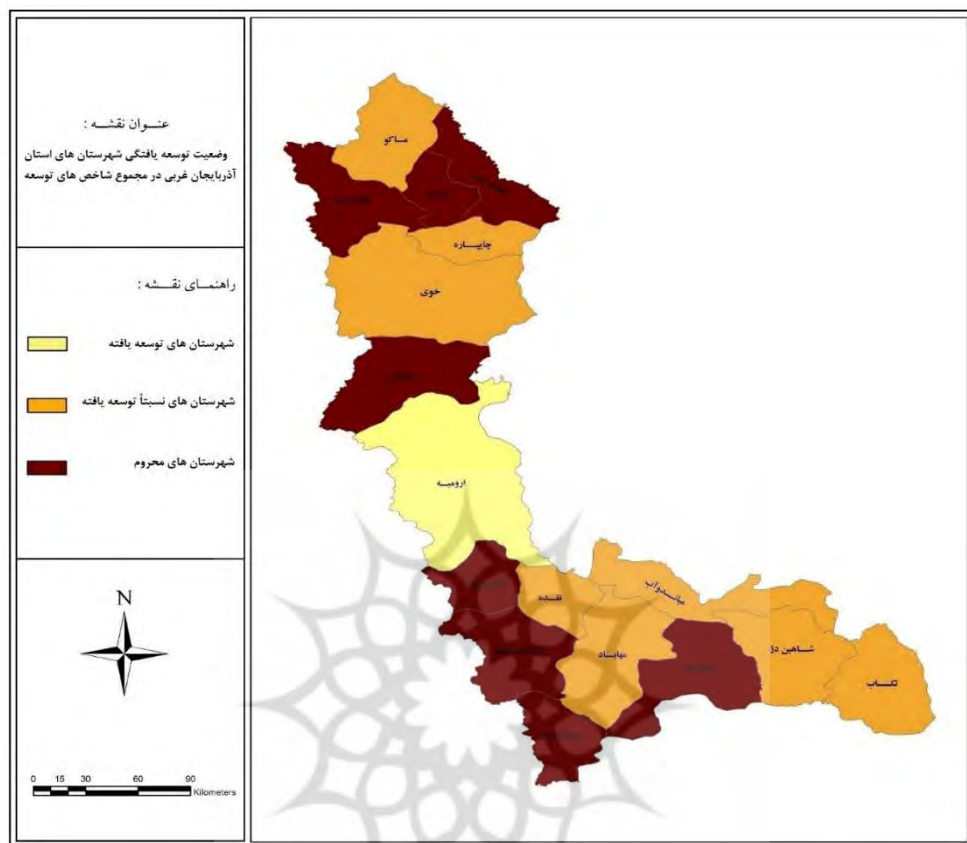
نتایج تحلیل خوشه‌ای			شاخص‌های توسعه
سطح سوم توسعه (شهرستان‌های محروم)	سطح دوم توسعه (شهرستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته)	سطح اول توسعه (توسعه یافته)	
پیرانشهر، پلدشت، چالدران، چاپاره، سلماس، شوط، سردشت	اشنویه، بوکان، تکاب، خوی، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده	ارومیه	شاخص‌های کلی
اشنویه، بوکان، پیرانشهر، پلدشت، چالدران، نقده، سردشت، سلماس، شوط، ماکو	تکاب، شاهین‌دژ، مهاباد	ارومیه، خوی، میاندوآب، چاپاره	شاخص‌های اقتصادی
بوکان، پیرانشهر، پلدشت، چالدران، سردشت، شوط	اشنویه، تکاب، خوی، سلماس، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده، چاپاره	ارومیه	شاخص‌های تولیدی
اشنویه، پیرانشهر، پلدشت، چالدران	بوکان، تکاب، خوی، سردشت، سلماس، شوط، شاهین‌دژ، مهاباد، نقده، میاندوآب، چاپاره	ارومیه، ماکو	شاخص‌های اجتماعی
پیرانشهر، چالدران، شوط	اشنویه، بوکان، پلدشت، تکاب، سلماس، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، چاپاره	ارومیه، خوی، میاندوآب، نقده	شاخص‌های زیربنایی
اشنویه، بوکان، پیرانشهر، پلدشت، چالدران، شوط، سلماس	تکاب، خوی، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده، چاپاره	ارومیه	جمع شاخص‌ها

منبع: نگارندگان

تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در آذربایجان غربی

در ارزیابی کلی از رتبه‌بندی و سطح‌بندی شهرستان‌های استان در پژوهش حاضر، می‌توان به توسعه‌یافتگی شهرستان‌هایی اشاره کرد که در همه بخش‌های مختلف توسعه، وضعیت مشابهی داشته‌اند. براساس نتایج رتبه‌بندی شهرستان‌ها، شهرستان ارومیه در چهار بخش از شش بخش شاخص‌های توسعه کلی، اقتصادی، تولیدی، اجتماعی، زیربنایی و مجموع شاخص‌ها کمترین درجه محرومیت را کسب کرده و در رتبه نخست توسعه‌یافتگی قرار گرفته است. همچنین در دو بخش دیگر با اختلاف کمتری از شهرستان اول، در رتبه دوم است. در مقابل، شهرستان چالدران با کسب بیشترین درجه محرومیت و چهار بار قرارگرفتن در رتبه آخر توسعه‌یافتگی، به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان است. همچنین برخی شهرستان‌ها تقریباً رتبه توسعه‌یافتگی مشابه و نزدیک به هم در کل بخش‌ها دارند. نقده از جمله شهرستان‌های توسعه‌یافته استان است که معمولاً در رتبه‌های ۱، ۲ و ۳ توسعه با درجه محرومیت پایین قرار دارد و تنها در بخش اقتصادی رتبه ۹ استان است. در مقابل، پلدشت جزو شهرستان‌های محروم است که عمدتاً در رتبه‌های ۱۵، ۱۶ و ۱۷ توسعه با درجه محرومیت بیشتر قرار گرفته و تنها در بخش شاخص زیربنایی، ششمین شهرستان استان از نظر توسعه‌یافتگی است. نتایج سطح‌بندی شهرستان‌ها نیز وضعیت مشابهی را بازگو می‌کند. ارومیه در هر پنج بخش و نیز مجموع شاخص‌های توسعه، به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان در سطح اول توسعه قرار گرفته است. این نتیجه بیانگر الگوی مرکز-پیرامون حاکم بر استان آذربایجان غربی است که تنها یک شهرستان، بیشترین امکانات و خدمات توسعه را در خود جای داده است. در مقابل پیرانشهر و چالدران همواره به‌عنوان شهرستان‌های محروم شناخته شده و در سطح سوم قرار گرفته‌اند. شهرستان‌های پلدشت و شوط نیز در چهار بخش از پنج بخش شاخص‌ها و به‌تبع آن در مجموع شاخص‌های توسعه در سطح سوم توسعه قرار گرفته‌اند. همچنین تکاب، شاهین‌دژ و مهاباد از جمله شهرستان‌هایی هستند که در همه بخش‌ها و نیز مجموع شاخص‌ها، در سطح دوم (نسبتاً توسعه‌یافته) قرار دارند. شهرستان‌های خوی و میاندوآب

نیز با وجود قرارگیری در سطح دوم توسعه، از نظر مجموع شاخص‌های توسعه، در بخش شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی به همراه ارومیه به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌های استان در سطح اول توسعه قرار گرفته‌اند.



شکل ۳. وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های آذربایجان غربی در مجموع شاخص‌های توسعه

تحلیل ویژگی‌های کلی استان آذربایجان غربی

وسعت و جمعیت نسبتاً فراوان و تعداد زیاد شهرستان‌های آن

استان آذربایجان غربی با مساحتی در حدود ۳۷,۴۱۲ کیلومتر مربع (بدون احتساب دریاچه ارومیه)^۱، ۲/۲۵ درصد وسعت کشور ایران را شامل می‌شود. این استان از نظر وسعت در میان ۳۱ استان کشور، در رتبه ۱۲ قرار دارد و جزء استان‌های وسیع است. همچنین آذربایجان غربی براساس نتایج آخرین تقسیمات کشوری منتشرشده از وزارت کشور، ۱۷ شهرستان دارد که از این حیث نیز، هشتمین استان در کل کشور است. جمعیت استان نیز براساس نتایج آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۹۵، برابر با ۳,۲۶۵,۲۱۹ نفر^۲ بوده است که ۴/۰۹ درصد از کل جمعیت کشور را به شامل می‌شود. از این منظر نیز آذربایجان غربی در رتبه هشتم کشور قرار دارد و یکی از پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور است.

۱. سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۷، گزارش بخش سرزمین و آب و هوا، صفحه ۳۱.

۲. معاونت توسعه و برنامه‌ریزی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، ۱۳۹۸، گزارش رتبه‌بندی استان‌های کشور براساس برخی شاخص‌های آماری سال ۹۵، صفحه ۳۵.

شکل هندسی استان آذربایجان غربی

هاگت و چارلی (۱۹۶۹) فرمول شاخص شکل را برای تشخیص دوری و نزدیکی شکل یک واحد به دایره پیشنهاد کرده‌اند:

$$(۱) \quad \frac{۱/۲۷A}{L^2} \text{ شاخص شکل}$$

A مساحت واحد سیاسی به کیلومتر مربع و L بزرگ‌ترین محور به کیلومتر است. در رابطه ۱، عدد ۱ برای شکل دایره کامل و عدد صفر برای خط کامل است. در نتیجه هرچه عدد حاصل به ۱ نزدیک‌تر باشد، شکل واحد سیاسی به دایره و هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، شکل واحد به خط نزدیک‌تر است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۴). مساحت آذربایجان غربی ۳۷،۴۱۲ کیلومتر مربع و محور ماکو-تکاب بزرگ‌ترین محور زمینی آن است که مراکز این دو شهرستان شمالی و جنوبی را به هم متصل می‌کند و حدود ۵۶۶ کیلومتر^۱ طول دارد. با جای‌گذاری این اعداد در رابطه ۱، مشخص می‌شود که شکل هندسی استان به صفر نزدیک است و شکلی کشیده و طولیل دارد.

$$\text{شاخص شکل استان آذربایجان غربی} = \frac{۱/۲۷ \quad ۳۷۴۱۲}{۵۶۶^2} = ۰/۱۴۸$$

گسترش افقی فراوان استان آذربایجان غربی

سازمان‌دهی مناسب فضا از اصلی‌ترین عوامل توسعه هر واحد سیاسی به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین عواملی که در سازمان‌دهی فضا باید رعایت شود، شکل‌گزینی مناسب برای تقسیمات واحدهای سیاسی است؛ چراکه شکل هندسی سهم بسزایی در سرنوشت واحدهای سیاسی و نقش بسیار مهمی در اداره و توسعه آن‌ها دارد. بیشتر کشورهای جهان از اشکال فشرده (دایره‌ای، مربع، مستطیل نزدیک به مربع و...) برای سازمان‌دهی فضای خود استفاده می‌کنند و اشکال طولیل و زائده‌دار را استفاده نمی‌کنند؛ زیرا این‌گونه اشکال روند توسعه و اداره امور را با مشکل مواجه می‌کند، اما در ایران این امر در سازمان‌دهی برخی واحدهای سیاسی به‌درستی استفاده نشده است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۰)؛ به‌طوری‌که با محاسبه شاخص شکل هندسی برای آذربایجان غربی در بخش قبل، مشخص شد که این استان به‌صورت خطی گسترش یافته و سبب شده است با وجود ویژگی‌های منحصربه‌فرد و همچنین ظرفیت‌های بالای توسعه، رشد مناسبی نداشته باشد و جزء استان‌های محروم کشور به‌شمار آید. این موضوع نکته‌ای بسیار مهم را درباره فضای جغرافیایی استان به شرح زیر نمایان می‌کند:

ارومیه مرکز اداری - سیاسی استان به‌عنوان مرکز جغرافیایی و هندسی

استان آذربایجان غربی بر مبنای شکل هندسی طولیل، به‌صورت خطی از شمال تا جنوب جغرافیایی کشیده شده است و ارومیه واقع در کرانه غربی دریاچه ارومیه، مرکز سیاسی - اداری آن است. با در نظر گرفتن شمالی‌ترین شهرستان (ماکو) و

۱. برای محاسبه، فاصله میان مرکز دو شهرستان با استفاده از Google Map محاسبه شده و ملاک قرار گرفته است؛ چنانچه شمالی‌ترین نقطه استان در شهرستان ماکو و جنوبی‌ترین نقطه در شهرستان تکاب به‌صورت دقیق مکان‌یابی شده و فاصله افقی میان این دو نقطه محاسبه شده است. طول محور بزرگ‌تر از این مقدار و عدد به‌دست‌آمده در رابطه کوچک‌تر خواهد بود که به خطی بودن شکل استان بیشتر دلالت خواهد داشت.

جنوبی‌ترین (تکاب) که به ترتیب ۲۸۱ و ۲۸۵ کیلومتر فاصله تا مرکز استان دارند، می‌توان بیان کرد که ارومیه به نوعی نقش مرکزیت هندسی استان را نیز عهده‌دار بوده و از نظر جغرافیایی، استان را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده است. با در نظر گرفتن این شرایط حاکم بر فضای استان می‌توان به ویژگی‌هایی اشاره کرد که نقش ارومیه را به عنوان مرکز هندسی و جغرافیایی استان تقویت می‌کنند:

شهرستان‌های استان تقریباً به طور یکسان در دو بخش شمالی و جنوب استان واقع شده‌اند؛ به طوری که ۴۱ درصد شهرستان‌ها در شمال و ۵۳ درصد در جنوب قرار دارند.

شهرستان‌های هر دو بخش شمالی و جنوبی، سهم تقریباً یکسانی از وسعت استان را به دارند؛ به صورتی که جنوب استان ۴۷ درصد و شمال استان ۳۹ درصد مساحت کل استان را دارند.

پیشنهاد منطقه‌بندی استان آذربایجان غربی به منظور برنامه‌ریزی

مبتنی بر ویژگی‌های موجود در ساختار فضایی آذربایجان غربی، در این قسمت از پژوهش به تعیین مناطق برنامه‌ریزی استان به صورت سه منطقه شمالی، منطقه مرکزی (ارومیه) و منطقه جنوبی اقدام و به ویژگی‌هایی از استان در سطح این مناطق پرداخته شد که دلایل انتخاب آن‌ها را به عنوان یک منطقه مجزای برنامه‌ریزی، بازگویی و مشخص کرده‌ایم. در نهایت ویژگی‌های توسعه استان در قالب همین مناطق، بررسی و تحلیل شدند.

منطقه مرکزی (ارومیه)

ارومیه مرکز استان است که شرایط ویژه‌ای دارد و برنامه‌ها و سیاست‌های خاص و شاید متفاوت با دیگر شهرستان‌ها می‌طلبد. این منطقه با وجود اینکه تنها یک شهرستان (ارومیه) است، ویژگی‌هایی دارد که نقش آن را به عنوان منطقه برنامه‌ریزی در سطح استان تقویت می‌کند:

در سطح‌بندی توسعه، بیشتر شاخص‌های توسعه را دارد و تنها شهرستان توسعه یافته است.

جمعیت از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در برنامه‌ریزی‌های توسعه است که از این منظر، منطقه مرکزی ۳۱ درصد جمعیت استان را در اختیار دارد و حتی بالاتر از منطقه شمالی با ۲۶ درصد جمعیت کل قرار دارد. با تراکم نسبی جمعیت^۱ در حدود ۱۹۵، تراکم‌ترین نقطه استان است.

مناطق شمالی و جنوبی استان

وسعت توجیه‌شدنی برای برنامه‌ریزی این مناطق

بنا به گفته لوئیس کیبل^۲، منطقه برنامه‌ریزی باید به اندازه‌ای وسیع باشد که بتواند تغییرات اصلی را در توزیع جمعیت و مشاغل در داخل مرزهای خودش نشان دهد و به اندازه‌ای کوچک باشد که بتواند مسائل برنامه‌ریزی را به صورت جامع مدنظر قرار بدهد (زالی، ۱۳۹۲)؛ برای این منظور می‌توان گفت که مناطق شمالی و جنوبی با وجود اینکه قسمتی از محدوده جغرافیایی آذربایجان غربی را تشکیل می‌دهند، از نظر وسعت از گستردگی فراوانی برخوردار هستند؛ به طوری که

۱. تراکم نسبی جمعیت بر حسب نفر در کیلومتر مربع محاسبه شده است.

مقایسه آن با مساحت استان‌های کشور، این واقعیت را به‌وضوح بیان می‌کند که مناطق شمالی و جنوبی استان آذربایجان غربی به‌ترتیب مساحتی بیشتر از ۴ و ۷ استان کشور دارد و وسیع‌تر از آن‌هاست. جدول ۴، جزئیات این مطلب را نشان می‌دهد:

جدول ۴. وسعت شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در مقایسه با استان‌های کشور

ردیف	مشخصات استان	وسعت (KM ²)
۱	منطقه جنوبی استان آذربایجان غربی	۱۷,۶۲۹
۲	استان چهارمحال و بختیاری	۱۶,۳۳۲
۳	استان قزوین	۱۵,۵۶۷
۴	استان کهگیلویه و بویراحمد	۱۵,۵۰۴
۵	منطقه شمالی استان آذربایجان غربی	۱۴,۴۷۱
۶	استان گیلان	۱۴,۰۴۲
۷	استان تهران	۱۲,۹۸۱
۸	استان قم	۱۱,۵۲۶
۹	استان البرز	۵۸۳۳

منبع: نگارندگان

ویژگی‌های جمعیتی متفاوت مناطق شمالی و جنوبی استان

مناطق برنامه‌ریزی شمالی و جنوبی استان با وجود وسعت نزدیک به یکدیگر و توزیع متعادل شهرستان‌های استان در سطح این مناطق، دارای ویژگی‌های جمعیتی متفاوت و قابل‌تمیز از یکدیگر هستند که سبب تمایز دو منطقه استان از یکدیگر می‌شوند و بر دلایل انتخاب دو منطقه مجزا برای برنامه‌ریزی در مقیاس کلان استانی و منطقه‌ای می‌افزایند. ویژگی‌های جمعیتی مناطق استان در جدول ۷ آمده است.^۱

ویژگی‌های مشابه و همگنی شهرستان‌های واقع در منطقه شمالی و جنوبی استان

شهرستان‌های منطقه شمالی و همچنین شهرستان‌های جنوبی استان، یکنواختی طبیعی، انسانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دارند و مناطقی همگن از این حیث هستند.

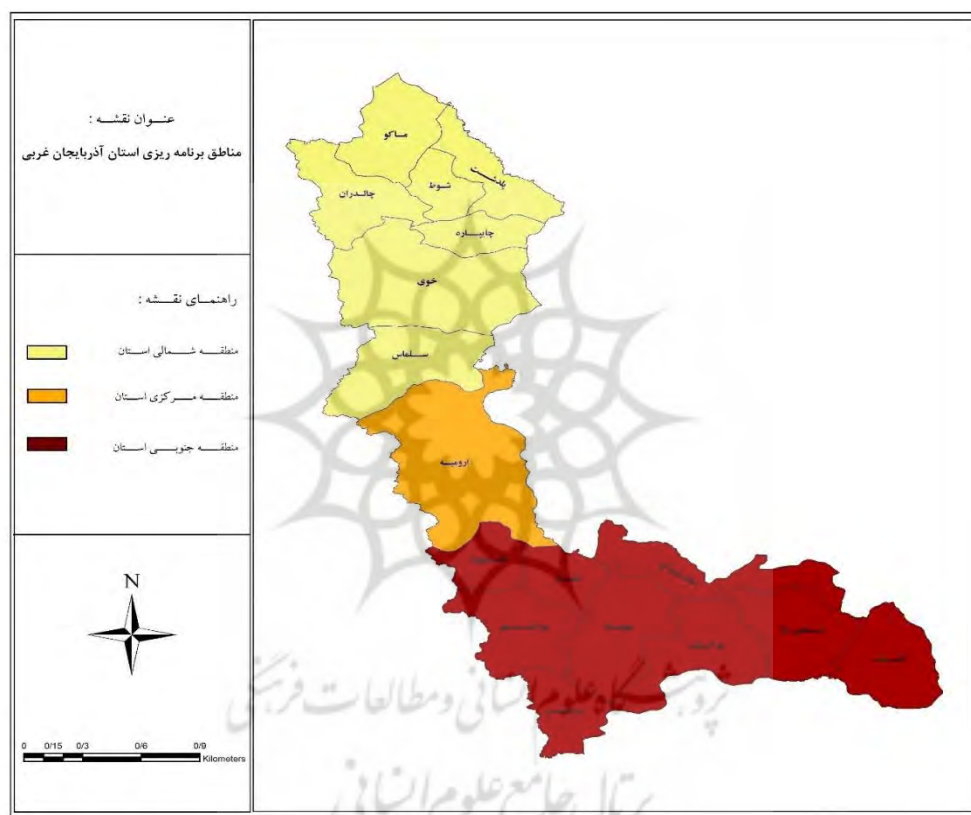
هر پنج شهرستان کاملاً کردنشین استان (شامل شهرستان‌های اشنویه، پیرانشهر، بوکان، سردشت و مهاباد) در منطقه جنوبی استان واقع شده‌اند که بیش از نیمی از شهرستان‌های این منطقه (۵۵ درصد شهرستان‌های منطقه) را تشکیل داده است و حدود ۶۰ درصد جمعیت منطقه در این شهرستان‌ها ساکن هستند.

بیشتر شهرستان‌های مرزی در منطقه شمالی استان واقع شده است؛ به‌طوری‌که از هفت شهرستان این منطقه، ۵ شهرستان (۷۱ درصد شهرستان‌های منطقه) مرزی هستند؛ درحالی‌که این وضعیت در منطقه جنوبی استان، سه شهرستان (۳۳ درصد شهرستان‌ها) از ۹ شهرستان واقع در این منطقه است.

بررسی شهرستان‌های برخوردار و محروم نیز نشان می‌دهد که بیشتر شهرستان‌های محروم در شمال استان واقع شده‌اند؛ به‌طوری‌که از هفت شهرستان شمالی، چهار شهرستان (بیش از نیمی از شهرستان‌های منطقه در حدود ۵۷

۱. به‌دلیل تشابه اطلاعات و جلوگیری از تکرار مطالب، ویژگی‌های جمعیتی مناطق استان در جدول ۷ جمع‌بندی شده‌اند.

درصد) محروم هستند؛ درحالی‌که همین آمار برای منطقه جنوبی استان، چهار شهرستان از ۹ شهرستان (حدود ۴۴ درصد شهرستان‌های منطقه) است. جدول ۶ جزئیات این موضوع را نشان می‌دهد. درباره همگنی و ویژگی‌های یکنواختی شهرستان‌های واقع در منطقه جنوبی استان می‌توان به پژوهشی از حاتمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۰) اشاره کرد که مطالعه موردی خود را شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی در شمال غرب کشور انتخاب کرده‌اند. هدف از انتخاب شهرستان‌های مهاباد، میاندوآب، نقده، سردشت، پیرانشهر، اشنویه، تکاب، شاهین‌دژ و بوکان، سنجش و ارزیابی آن‌ها با یکدیگر، یکنواختی طبیعی، انسانی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... بوده است.



شکل ۴. مناطق برنامه‌ریزی پیشنهادی استان آذربایجان غربی

تحلیل ویژگی‌های کلی استان آذربایجان غربی در قالب مناطق برنامه‌ریزی پیشنهادی

وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان

با توجه به اینکه منطقه مرکزی تنها شامل شهرستان ارومیه است و در تمامی شاخص‌های توسعه در سطح اول توسعه در میان شهرستان‌ها قرار دارد، بررسی‌ها در این بخش به مقایسه وضعیت دو منطقه شمالی و جنوبی استان تأکید دارد: بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان در بخش‌های مختلف توسعه و مقایسه آن با منطقه قرارگیری شهرستان‌ها در استان نشان می‌دهد که در مجموع شاخص‌های توسعه، شهرستان‌های منطقه جنوبی وضعیت بهتری از منطقه شمالی در برخورداری از شاخص‌ها دارند و در واقع توسعه‌یافته‌تر از منطقه شمالی هستند؛ به طوری که با وجود سهم

یکسان دو منطقه از شهرستان‌های محروم استان به تعداد چهار شهرستان (۲۳ درصد کل شهرستان‌های استان)، منطقه جنوبی حدود ۲۹ درصد شهرستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته (پنج شهرستان) و شمال استان نیز ۱۸ درصد (سه شهرستان) را شامل می‌شوند. در بررسی مجزای بخش‌های مختلف توسعه نیز وضعیت مشابهی حاکم بوده و منطقه جنوبی استان در مقایسه با منطقه شمالی، وضعیت مساعدی از لحاظ شاخص‌های منتخب توسعه دارد. به بیان دیگر بیشتر شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته و محروم استان در منطقه شمالی و بیشتر شهرستان‌های توسعه‌یافته در جنوب استان واقع شده‌اند. جزئیات وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان در این دو منطقه به شرح جدول ۵ است:

جدول ۵. وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در دو منطقه شمالی و جنوبی (درصدها برحسب تعداد کل شهرستان‌های استان محاسبه شده است)

بخش‌های توسعه	وضعیت توسعه	شهرستان‌های واقع در شمالی استان	شهرستان‌های واقع در جنوبی استان
شاخص‌های کلی	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۲ شهرستان (۱۲ درصد)	۷ شهرستان (۴۱ درصد)
شاخص‌های اقتصادی	توسعه‌یافته	۲ شهرستان (۱۲ درصد)	۲ شهرستان (۱۲ درصد)
	نسبتاً توسعه‌یافته	صفر	۱ شهرستان (۶ درصد)
شاخص‌های تولیدی	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۴ شهرستان (۲۳ درصد)	۶ شهرستان (۳۵ درصد)
شاخص‌های اجتماعی	توسعه‌یافته	۱ شهرستان (۶ درصد)	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۴ شهرستان (۲۳ درصد)	۷ شهرستان (۴۱ درصد)
شاخص‌های زیربنایی	توسعه‌یافته	۱ شهرستان (۶ درصد)	۲ شهرستان (۱۲ درصد)
	نسبتاً توسعه‌یافته	۴ شهرستان (۲۳ درصد)	۶ شهرستان (۳۵ درصد)
مجموع شاخص‌ها	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۳ شهرستان (۱۸ درصد)	۵ شهرستان (۲۹ درصد)
	محروم	۴ شهرستان (۲۳ درصد)	۴ شهرستان (۲۳ درصد)

منبع: نگارندگان

همچنین بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های مناطق شمالی و جنوبی در داخل خود مناطق نیز نشان می‌دهد که نسبت شهرستان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته در شمال استان در مقایسه با جنوب، اختلاف فراوانی دارد. بیشترین اختلاف قابل تأمل با شاخص‌های کلی توسعه ارتباط دارد؛ به گونه‌ای که در این بخش از توسعه، ۷۱ درصد شهرستان‌های شمالی محروم و تنها دو شهرستان نسبتاً توسعه‌یافته هستند. در مقابل ۷۸ درصد شهرستان‌های منطقه جنوبی از لحاظ برخورداری از شاخص‌های کلی توسعه، نسبتاً توسعه‌یافته و تنها دو شهرستان این منطقه محروم هستند. از لحاظ مجموع شاخص‌های توسعه نیز وضعیت مشابهی حاکم است؛ به این صورت که ۵۷ درصد شهرستان‌های شمالی محروم و بقیه

نسبتاً توسعه‌یافته هستند. این آمار برای جنوب دقیقاً برعکس بوده و حدود ۵۷ درصد شهرستان‌های آن نسبتاً توسعه‌یافته و بقیه محروم هستند (جدول ۶).

جدول ۶. وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های واقع در مناطق برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی (درصدها برحسب شهرستان‌های واقع در هر منطقه محاسبه شده است)

بخش‌ها	وضعیت توسعه	منطقه شمالی استان (شامل ۷ شهرستان استان)	منطقه جنوبی استان (شامل ۹ شهرستان استان)
شاخص‌های کلی	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۲ شهرستان (۲۹ درصد)	۷ شهرستان (۷۸ درصد)
شاخص‌های اقتصادی	محروم	۵ شهرستان (۷۱ درصد)	۲ شهرستان (۲۲ درصد)
	توسعه‌یافته	۲ شهرستان (۲۹ درصد)	۱ شهرستان (۱۱ درصد)
شاخص‌های تولیدی	نسبتاً توسعه‌یافته	صفر	۳ شهرستان (۳۳ درصد)
	محروم	۵ شهرستان (۷۱ درصد)	۵ شهرستان (۵۶ درصد)
شاخص‌های اجتماعی	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۴ شهرستان (۵۷ درصد)	۶ شهرستان (۶۷ درصد)
شاخص‌های زیربنایی	محروم	۳ شهرستان (۴۳ درصد)	۳ شهرستان (۳۳ درصد)
	توسعه‌یافته	۱ شهرستان (۱۴ درصد)	۷ شهرستان (۷۸ درصد)
مجموع شاخص‌ها	نسبتاً توسعه‌یافته	۴ شهرستان (۵۷ درصد)	۲ شهرستان (۲۲ درصد)
	محروم	۲ شهرستان (۲۹ درصد)	۶ شهرستان (۶۷ درصد)
	توسعه‌یافته	صفر	صفر
	نسبتاً توسعه‌یافته	۳ شهرستان (۴۳ درصد)	۵ شهرستان (۵۶ درصد)
	محروم	۴ شهرستان (۵۷ درصد)	۴ شهرستان (۴۴ درصد)

منبع: نگارندگان

ویژگی‌های جمعیتی مناطق برنامه‌ریزی پیشنهادی استان

بررسی ویژگی‌های جمعیتی در سطح مناطق برنامه‌ریزی استان، چند نکته مهم را مشخص می‌کند:

منطقه مرکزی استان که تنها شامل یک شهرستان (ارومیه) است، سهم بیشتری از جمعیت استان را در مقایسه با منطقه شمالی استان دارد که هفت شهرستان استان را شامل می‌شود.

جمعیت در این منطقه متراکم‌تر هستند؛ به طوری که تراکم نسبی جمعیت این منطقه حدود سه برابر منطقه شمالی و $\frac{2}{5}$ برابر جنوب استان است.

تراکم جمعیتی جنوب استان بیشتر از منطقه شمالی است و شمال استان کم‌تراکم‌ترین منطقه استان محسوب می‌شود.

با وجود سهم جمعیتی بیشتر منطقه مرکزی استان در مقایسه با شمال استان، درصد روستانشینی این منطقه در مقایسه با منطقه شمالی، کمتر و در واقع شهرنشین‌تر از آن است.

بعد خانوار منطقه مرکزی کمتر از میانگین استانی است و در مقایسه با دو منطقه دیگر، میزان کمتری دارد. جدول ۷ ویژگی‌های جمعیتی مناطق برنامه‌ریزی استان را به صورت بررسی مقایسه‌ای نمایش می‌دهد:

جدول ۷. ویژگی‌های جمعیتی استان آذربایجان غربی به تفکیک مناطق برنامه‌ریزی

منطقه مرکزی استان	منطقه جنوبی استان	منطقه شمالی استان	کل استان	ویژگی‌ها
۹۶۳,۷۳۸	۱,۲۹۶,۸۸۱	۸۱۹,۹۵۷	۳,۰۸۰,۵۷۶	کل جمعیت
۳۱ درصد	۴۲ درصد	۲۷ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از جمعیت استان
۶۸۰,۲۲۸	۷۹۹,۱۰۵	۴۵۳,۲۱۱	۱,۹۳۲,۵۴۴	جمعیت شهری
۳۵ درصد	۴۱ درصد	۲۴ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از جمعیت شهری
۷۰/۶	۶۱/۶	۵۵/۳	۶۲/۷	درصد شهرنشینی
۲۸۳,۵۱۰	۴۹۷,۷۷۶	۳۶۶,۷۴۶	۱,۱۴۸,۰۳۲	جمعیت روستایی
۲۵ درصد	۴۳ درصد	۳۲ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از جمعیت روستایی
۲۹/۴	۳۸/۴	۴۴/۷	۳۷/۳	درصد روستانشینی
۲۷۲,۶۳۴	۳۳۴,۴۳۸	۲۱۵,۶۷۷	۸۲۲,۷۴۹	کل خانوار
۳۳ درصد	۴۱ درصد	۲۶ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از خانوار استان
۲۰۱,۲۸۱	۲۱۰,۲۶۵	۱۲۴,۴۲۲	۵۳۵,۹۶۸	خانوار شهری
۳۸ درصد	۳۹ درصد	۲۳ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از خانوار شهری
۷۱,۳۵۳	۱۲۴,۱۷۳	۹۱۲,۵۵	۲۸۶,۷۸۱	خانوار روستایی
۲۵ درصد	۴۳ درصد	۳۲ درصد	۱۰۰ درصد	سهم از خانوار روستایی
۳/۵۳	۳/۹۰	۳/۸۰	۳/۷۴	بعد خانوار
۳/۳۸	۳/۸۰	۳/۶۰	۳/۶۰	بعد خانوار شهری
۳/۹۷	۴	۴	۴	بعد خانوار روستایی
۱۸۱/۴۲	۷۳/۵۶	۵۶/۶۶	۸۲/۳۴	تراکم نسبی جمعیت ^۱
۱/۱۳	۱/۰۲	۱/۱۵	۱/۰۹	تراکم خانوار ^۲

منبع: نگارندگان، براساس آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران

بررسی‌ها در آذربایجان غربی حاکی است که ارومیه به‌عنوان مرکز استان، تمرکز نسبتاً فراوانی از جمعیت و فعالیت را شامل می‌شود و دیگر مناطق در مقایسه با آن رشد کمی دارند. همچنین پراکنش جمعیت نشان می‌دهد، ارومیه حدود سه برابر شهر دوم استان (خوی) که در منطقه شمالی واقع است، جمعیت دارد. براساس سطح‌بندی شهرستان‌ها از لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه، سه گروه همگن از شهرستان‌ها تشخیص داده شده‌اند که به شرح زیر هستند:

سطح اول توسعه (شهرستان‌های توسعه‌یافته استان): ارومیه

سطح دوم (شهرستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته): تکاب، چابپاره، خوی، شاهین‌دژ، ماکو، مهاباد، میاندوآب، نقده.

سطح سوم توسعه (شهرستان‌های محروم): اشنویه، بوکان، پیرانشهر، پلدشت، چالدران، شوط، سردشت، سلماس.

بررسی پراکندگی جمعیت استان در شهرستان‌ها نشان می‌دهد که از کل جمعیت استان، ۷۲ درصد در دو سطح اول توسعه قرار دارند و تنها ۲۸ درصد از جمعیت استان در شهرستان‌های محروم جای گرفته‌اند که حدود ۵۰ درصد

۱. تراکم نسبی جمعیت برحسب نفر در کیلومتر مربع محاسبه شده است.

۲. نسبت تعداد خانوار به تعداد واحد مسکونی

شهرستان‌های استان را شامل می‌شوند. همچنین ارومیه به‌عنوان تنها شهرستان سطح اول توسعه، ۳۱ درصد جمعیت کل استان را شامل می‌شود و ۶۹ درصد باقی‌مانده در ۱۶ شهرستان دیگر جای گرفته‌اند. این میزان در بررسی جمعیت شهری استان، تغییر و سهم شهرستان ارومیه از جمعیت شهری استان به ۳۵ درصد افزایش می‌یابد. این مسئله نشان‌دهنده تمرکز شدید جمعیت، فعالیت‌ها و خدمات در ارومیه است که در مقابل سایر شهرستان‌ها، رشد بیشتری دارد و همین امر سبب بروز مهاجرت به مرکز استان شده و به نابرابری و عدم تعادل در سلسله‌مراتب سکونتگاهی انجامیده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت مطالعات سطح منطقه‌ای در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه پایدار، در پژوهش حاضر ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه منطقه‌ای در استان آذربایجان غربی بررسی و ارزیابی شد. در تحلیل پراکنش فضایی شهرستان‌ها می‌توان گفت ارومیه در ناحیه مرکزی استان، تنها شهرستان برخوردار و توسعه‌یافته است که می‌تواند متأثر از وجود شهر ارومیه به‌عنوان قطب عمده جمعیتی و کانون فعالیت‌های اداری-سیاسی و تجاری به‌منزله مرکز استان باشد؛ همچنین با بررسی وضعیت توسعه منطقه‌ای در آذربایجان غربی، جهت‌گیری‌های کلی در استان تحلیل و ساختار و ویژگی‌های جغرافیایی، جمعیتی، میزان برخورداری شهرستان‌ها و غیره نیز در قالب منطقه‌بندی داخلی پیشنهادی ارزیابی شده‌اند؛ به‌طوری‌که ضمن رتبه‌بندی شهرستان‌های استان از لحاظ داشتن شاخص‌های توسعه منطقه‌ای، با منطقه‌بندی داخلی استان بر مبنای ساختار جغرافیایی و سایر عوامل مؤثر در این فرایند، جهت‌گیری‌های کلی توسعه در مناطق پیشنهادی و ویژگی‌های توسعه‌یافتگی، ساختار فضایی و جغرافیایی، جمعیتی و غیره در هر منطقه نیز به‌طور مفصل ارزیابی و تحلیل شدند.

با توجه به یافته‌ها می‌توان گفت که تعداد بیشتری از شهرستان‌های نسبتاً توسعه‌یافته (از لحاظ برخورداری از شاخص‌های منتخب توسعه) در جنوب استان واقع هستند که می‌تواند ناشی از وجود کانون‌های عمده فعالیت در بخش‌های کشاورزی و صنعتی و قرارگیری مراکز جمعیتی متوسط در این منطقه باشد. بیشتر شهرستان‌های محروم نیز با تأثیرپذیری از شرایط اقلیمی کوهستانی و مرزی بودن که ضعف زیرساخت‌ها و امکانات توسعه را در پی دارد، در شمال استان واقع شده‌اند که وجود ناهم‌انگهی و نابرابری در توسعه منطقه‌ای استان را تأیید می‌کنند. درواقع مبتنی بر یافته‌های بخش نخست، به تعیین نواحی داخلی در جهت برنامه‌ریزی به‌صورت سه منطقه شمالی، مرکزی و جنوبی اقدام شد و ویژگی‌های توسعه منطقه‌ای در چارچوب این مناطق تحلیل شده‌اند. نتایج، استان را در مرکز و جنوب توسعه‌یافته‌تر از شمال نشان می‌دهد؛ به‌صورتی که ارومیه تنها شهرستان توسعه‌یافته در مرکز استان محسوب می‌شود. وضعیت دو منطقه دیگر نیز بدین‌گونه است که ۵۷ درصد شهرستان‌های شمالی محروم و بقیه نسبتاً توسعه‌یافته هستند، اما در جنوب استان دقیقاً برعکس است؛ یعنی حدود ۵۷ درصد شهرستان‌ها نسبتاً توسعه‌یافته و بقیه محروم هستند. همچنین با بررسی ویژگی‌های جمعیتی، نتایج قابل‌تأملی به‌دست آمده است که مهم‌ترین آن را می‌توان تمرکز جمعیت و به‌تبع آن فعالیت‌ها و خدمات توسعه را در شهرستان‌های سطح اول و توسعه‌یافته استان عنوان کرد. با وجود آنکه شهرستان‌های محروم حدود ۵۰ درصد شهرستان‌ها را شامل می‌شوند، تنها ۲۸ درصد جمعیت استان در آن‌ها جای گرفته‌اند. همچنین ارومیه به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان استان، به‌تنهایی ۳۱ درصد کل جمعیت را شامل می‌شود. درنهایت باید گفت ارزیابی و

تحلیل توسعه‌یافتگی و ویژگی‌های کلی استان در قالب مناطق پیشنهادی پژوهش، وضعیت متفاوت و قابل‌تأملی را درباره هر ناحیه نمایان می‌کند که بر دلایل برنامه‌ریزی با رویکرد تقسیم کار درون منطقه‌ای می‌افزاید و برنامه‌ریزی منطقه‌ای را بیش‌ازپیش ضروری می‌کند. در پایان، پیشنهادهایی مبتنی بر یافته‌های پژوهش و در راستای توسعه متعادل و پایدار منطقه‌ای در استان آذربایجان غربی ارائه می‌شود:

- شیوه مدیریت، اساسی‌ترین رکن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. همچنین درپیش‌گرفتن شیوه مدیریت توسعه‌محور، هدایتگر و مبتنی بر رویکرد یکپارچه منطقه‌ای، ضرورت برنامه‌ریزی پایدار توسعه منطقه‌ای در استان است.

- در برنامه‌ریزی‌ها و ارائه خدمات توسعه‌ای، باید به ساختار جغرافیایی، منابع و فرصت‌های مناطق مختلف استان، توجه شود.

- سازمان‌دهی و تعادل بخشی به ساختار فضایی استان و تمرکززدایی جمعیت و فعالیت‌ها از شهرستان ارومیه با توسعه نواحی محروم و کمتر توسعه‌یافته استان؛ چراکه به دلیل مرکزیت اداری-سیاسی استان، انباشتی از جمعیت و خدمات توسعه در تنها شهرستان توسعه‌یافته استان متراکم است.

- نقش شهرهای میانی در شمال و جنوب استان به منظور ایجاد کانون‌های جدید توسعه منطقه‌ای برای کاهش تمرکززدایی از مرکز و ارائه امکانات به مناطق محروم استان تقویت شود.

- محورهای شمالی و جنوبی توسعه، مانند محور ارومیه-خوی-ماکو در شمال و محورهای ارومیه-مهاباد و ارومیه-میاندوآب-تکاب در جنوب استان، طراحی، ایجاد و تقویت شوند.

- از مزایا و فرصت‌های ناشی از وجود منطقه آزاد ماکو در شمال استان در ارتباط با توسعه خود منطقه و استان استفاده بهینه و مطلوب شود که حتی زمینه‌های ارتقای شاخص‌های توسعه فرااستانی و در سطح ملی را نیز بالقوه در خود دارد.

- جذب سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، زیربنایی و اقتصادی توسعه استان مدنظر قرار بگیرد.

- توسعه فعالیت‌های اقتصادی با توجه به اینکه بیشتر شهرستان‌های محروم در این بخش از شاخص‌ها قرار دارند، مدنظر قرار بگیرند؛ به طوری که توان اقتصادی شهرستان‌های سطح سوم توسعه درباره شاخص‌های اقتصادی، افزایش بیابد و آن‌ها در اولویت باشند.

- شهرستان‌های چالدران و پیرانشهر به ترتیب در ناحیه شمالی و جنوبی استان درباره همه شاخص‌های توسعه مدنظر قرار بگیرند؛ چراکه همواره محروم‌ترین شهرستان‌های استان شناخته شده‌اند.

- توسعه گردشگری با رویکرد منطقه‌ای و برنامه‌ریزی در زمینه جذب گردشگران با حمایت‌های مالی دولتی و خصوصی، در سیاست‌های توسعه فرامنطقه‌ای، ملی و فراملی استان مدنظر قرار بگیرد.

- مهاجرت‌ها کنترل شود و با سیاست‌های مناسب، از ورود جمعیت به مناطقی که از لحاظ شاخص‌های توسعه در وضعیت مطلوبی قرار ندارند، جلوگیری شود.

- برای تأمین زیربناهای مورد نیاز توسعه، از جمله واحدهای صنعتی، تسهیلات بهداشتی و زمینه‌های اجتماعی-فرهنگی، به‌ویژه در مناطق و شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته استان، برنامه‌ها و تصمیم‌های اجرایی مؤثرتری صورت بگیرد.

- درنهایت با توجه به اهمیت موضوع و محدوده مطالعاتی پژوهش، پیشنهاد می‌شود که برای غنای مطالعات و کاربردی‌کردن نتایج پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن نواحی پیشنهادی این مقاله و با بررسی و تحلیل پتانسیل‌ها، توانمندی‌ها و درک واقعی کمبودها و نیازهای روز، مأموریت اصلی هر منطقه تعیین و به سیاست‌گذاری‌های متناسب با آنها اقدام شود.



منابع

- آنارادنژاد، رحیم (۱۳۸۷). «جایگاه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی»، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۳، صص ۱۷۳-۱۹۴.
- احمدی‌پور، زهرا، جعفرزاده، حسن و محمدرضا میرزایی (۱۳۹۳). «تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۴، صص ۱-۱۲.
- ایمانی، بهرام (۱۳۹۹). «آینده‌پژوهی توسعه متوازن منطقه‌ای بر مبنای برنامه‌ریزی سناریوی مینا (مطالعه موردی: استان اردبیل)»، جغرافیا و توسعه، شماره ۵۸، صص ۱۷-۴۴.
- اکبری، نعمت‌الله، اسماعیل‌پور، ناسو و علی سرخوش‌سرا (۱۳۹۱). «تحلیل وضعیت اشتغال بخش‌های عمده اقتصادی شهرستان‌های استان کرمانشاه»، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۲۰، صص ۸۱-۱۰۷.
- بزاززاده، مهدی، داداش‌پور، هاشم و شریف مطوف (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی)»، برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، شماره ۲، صص ۷۹-۱۰۴.
- بلوچی، محمد و حیدر لطفی (۱۳۹۶). «بررسی نظام تقسیمات کشوری در ایران: مطالعه موردی استان سمنان در راستای ارائه یک مدل علمی بر مبنای متغیرهای جغرافیایی»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۱، صص ۱۵-۴۳.
- بیات، مقصود (۱۳۸۸). «سنجش توسعه‌یافتگی روستاهای بخش کوار شهرستان شیراز با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای»، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و حسین رجیبی سناجردی (۱۳۹۰). نظریه‌های شهر و پیرامون، تهران: انتشارات سمت.
- پریزادی، طاهر و حجت میرزازاده (۱۳۹۷). «توسعه منطقه‌ای در ایران با رویکرد عدالت توزیعی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۵۰، صص ۱۷۹-۱۹۸.
- پورمجیدی، رضا، عزت‌پناه، بختیار و کریم حسین‌زاده دلیر (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل استراتژی‌های توسعه در شهرهای مرکزی (مطالعه موردی: شهرهای کشور ایران و ترکیه)»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۳۴، صص ۵۱-۶۴.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، غلامی، بهادر، میراحمدی، فاطمه‌سادات، ویسی، عبدالکریم و سعید خلیلی (۱۳۹۱). «بررسی تأثیرات شکل جغرافیایی استان ایلام بر توسعه‌نیافتگی»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۸، صص ۷۹-۹۱.
- تقوایی، مسعود و ناصر بای (۱۳۹۱). «سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، صص ۱-۲۰.
- توکلی‌نیا، جمیله و محمد شالی (۱۳۹۱). «نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران»، آمایش محیط، شماره ۱۸، صص ۱-۱۵.
- حاتمی‌نژاد، حسین، ابوبکری، طاهر، احمدی، افسانه و فرشته نایب‌زاده (۱۳۹۰). «سنجش درجه توسعه‌یافتگی صنعتی در مناطق مرزی ایران (مطالعه موردی: شمال غرب کشور، شهرستان‌های جنوبی استان آذربایجان غربی)»، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۶، صص ۱-۱۸.
- زالی، نادر (۱۳۹۰). «مدیریت توسعه منطقه‌ای با تحلیل نقش فاصله در میزان توسعه دوایر متحدالمركز در استان‌ها (نمونه موردی: استان آذربایجان شرقی)»، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۳، صص ۱۱۱-۱۳۲.

- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان غربی (۱۳۹۸). *سالنامه آماری سال ۱۳۹۷ استان آذربایجان غربی*.
شکور، علی، زنگی‌آبادی، علی و فضل‌اله کریمی قطب‌آبادی (۱۳۹۳). «ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس)»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۱۵، صص ۱-۱۲.
- سرور، رحیم، محمدی حمیدی، سمیه و محمد ویسیان (۱۳۹۳). «بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی در راستای تحقق امنیت پایدار (مطالعه موردی: شهرستان‌های مرزی استان آذربایجان غربی)»، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، شماره ۷، صص ۲۵-۵۴.
- شماعی، علی، آقائی، واحد، مؤذنی، مهدی و احد بدلی (۱۳۹۸). «تحلیل فضایی نابرابری‌های اجتماعی در منطقه مغان»، آمایش جغرافیایی فضا، شماره ۳۴، صص ۲۲۵-۲۴۴.
- علیزاده دولت‌آبادی، لیدا و حمید شایان (۱۳۹۸). «تحلیلی بر رابطه پراکنش توزیع خدمات اساسی و شاخص‌های جمعیتی با تأکید بر نظریه عدالت فضایی (مورد: شهرستان‌های استان خراسان رضوی)»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۳۶، صص ۱۷-۳۰.
- غفاری‌فرد، محمد (۱۳۹۸). «بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳۰، صص ۲۱-۴۱.
- غلامرضایی، یوسفعلی و داوود حسن‌آبادی (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل نظام تقسیمات کشوری در ایران با تأکید بر متغیرهای علمی و جغرافیایی: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان»، جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، شماره ۱، صص ۲۷۷-۲۹۸.
- فتحی، علی و حسین آسایش (۱۳۸۹). «تحلیل سیستماتیک از نقش عوامل جغرافیایی در توسعه روستاهای استان اردبیل»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، شماره ۲۸، صص ۱۹-۴۰.
- فرجی‌راد، خدر، کاظمیان، غلامرضا و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۲). «آسیب‌شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی»، فرایند مدیریت توسعه، شماره ۸۴، صص ۲۷-۵۸.
- کریم‌زاده، مجید و بهزاد کریم‌زاده (۱۳۹۸). «ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ برخورداری از خدمات رفاه اجتماعی»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۳۴، صص ۸۱-۹۴.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸). «دیدگاه‌هایی از توسعه». کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۷۴-۸۵.
- محمودی، اصغر و یوسف‌علی زبیری (۱۳۹۳). «بررسی و ارزیابی توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تاکسونومی عددی در شهرهای مرزی استان آذربایجان غربی»، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۴، صص ۳۵-۴۸.
- معین‌الدینی، جواد (۱۳۸۶). «کاربرد سیاست‌های توسعه عمران ناحیه‌ای؛ درس‌هایی از تجربه کشورهای توسعه‌یافته»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۷، صص ۷۱-۹۶.
- موسوی، میرنجف (۱۳۹۶). «تدوین سناریوهای مؤثر بر پیشرفت اسلامی-ایرانی با رویکرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای (مورد: استان آذربایجان غربی)»، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۸، صص ۵۱-۶۴.
- هادیانی، زهره و وحید رحیمی (۱۳۹۲). «نقش شهرهای میانی در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: شهر ایرانشهر)»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۳۰، صص ۲۷-۴۷.

- Aftab, A., Taghiloo, A., & Hooshmand, A. (2019). Urban Settlement Planning with Baseline Scenario Approach (Case Study: West Azarbaijan). *The Journal of Spatial Planning*, 23(2), 169-199. (In Persian)
- Ahmadypoor, Z., Jafarzadeh, H., & Mirzaei, M. R. (2014). Function Analysis of Administrative Divisions in Implementation of Land Preparation with Emphasis on Iran. *Quarterly Journal of Regional Planning*, 4(14), 1-12. (In Persian)
- Akbari, N., Esmailpour, A., & Sarkhosh Sara, A. (2013). Analysis of Theemployment Status of Macro Sectors Economy of Kermanshah Province Cities. *Environmental Based Territorial Planning (AMAYESH)*, 6(20), 81-107. (In Persian)
- Alizade, L., & Shayan, H. (2020). Relationship between the Distribution of Basic Services and Demographic Indicators with an Emphasis on the Theory of Spatial Justice in the County of Khorasan Razavi Province. *Journal of Regional Planning*, 9(36), 17-30. (In Persian)
- Annamoradnejad, R. (2008). Development status of Iran's Provinces in Main Agricultural Sector Indices. *Village and Development*, 11(3), 173-194. (In Persian).
- Apostolache, M. A. (2014). Regional Development in Romania: From Regulations to Practice. *Procedia Economics and Finance*, 8, 35-41.
- Attolico, A. (2014). Building Resilience through Territorial Planning: The Experience of Province Of Potenza. *Procedia Economics and Finance*, 18, 528-535.
- Baloochi, M., & Lotfi, H. (2018). Investigating the System of Country Divisions in Iran: A Case Study of Semnan Province in Order to Present a Scientific Model Based on Geographical Variables. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 10(1), 15-43. (In Persian)
- Bayat, M. (2009). A Cluster Analysis of the Development Evaluation of the Villages of Kavar District in Shiraz Township. *Geography and Environmental Planning (University of Isfahan)*, 20(1), 113-131(In Persian)
- BazazZadeh, M., Dadashpoor, H., & Motavaf, Sh. (2014). Analysis the Key Factors Impacting on Regional Development using Regional Foresight approach (The Case Study of West Azerbaijan Province, Iran). *Journal of Spatial Planning*, 4(2), 79-104. (In Persian)
- Darmansyah, A., Rochana, S. H., Sutardi, A., & Zuraida U. (2014). The New Growth Centres and Strategy for Building and Accelerating Agribusiness Development in Cirebon Regency, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 115, 296-304.
- Eimani, B. (2020). Regional Balanced Development Future Studies Based on Scenario Planning (Case Study: Ardabil Province). *Geography and Development*, 18(58), 17-44. (In Persian)
- Fanni, Z., Khakpour, B., & Heydari, A. (2014). Evaluating the Regional Development of Border Cities by TOPSIS Model (Case Study: Sistan and Baluchistan Province, Iran). *Sustainable Cities and Society*, 10, 80-86.
- Farajirad, Kh., Kazemian, Gh., & Rokneddin Eftekhari, A. (2013). Pathology of Regional Development Policies in Iran: An Institutional Approach. *Management and Development Process*, 26(2), 27-58. (In Persian)
- Farmanesh, A. (2009). Regional Dimensions of Economic Development in Iran: A New Economic Geography Approach. Munich Personal RePEc Archive.
- Fathi, A., & Asayesh, H. (2011). Systematic Analysis from Role of Geographical Factors in Rurals Development of Ardebil Province. *Quarterly Geographical Journal of Territory (Sarzamin)*, 7(28), 19-41. (In Persian)
- Fathi, A., Muosakazemi, S. M., Rostami, Sh., & Aliakbari, E. (2017). Analysis of the Citizen's Enjoyment Level of Urban Services in Kermanshah Province, Iran. *Geographical Urban Planning Research (GUPR)*, 5(3), 381-403. (In Persian)

- Ghaffaryfard, M. (2019). Review the Process of Development Policy and Regional Balance during Development Plans in Iran (SWOT Approach). *Strategic Studies of Public Policy*, 9(30), 21-41. (In Persian)
- Gholam Rezaei, Y., & Hassan Abadi, D. (2018). Investigating and Analyzing the System of Divisions in Iran with Emphasis on Scientific And Geographical Variables. *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, 8(1), 277-298. (In Persian)
- Goletsis, Y., & Chletsos, M. (2011). Measurement of Development and Regional Disparities in Greek Periphery: A Multivariate Approach. *Socio-Economic Planning Sciences*, 45, 174-183.
- Hadiyani, Z., & Rahimi, V. (2013). The Role of Middle Cities in Regional Development. Case Study: Iranshahr. *Journal of Geographical Sciences*, 13(3), 27-47. (In Persian)
- Hataminezhad, H., Aboobakri, T., Ahmadi, A., & Nayebzadeh, F. (2011). Measuring the Degree of Industrial Development in the Border of Iran (Case Study of Northwest Iran, Southern Cities of West Azerbaijan Province). *Research and Urban Planning*, 2(6), 1-18. (In Persian)
- Karimzadeh, M., & Karimzadeh, B. (2019). Evaluating Development level of Sistan and Baluchistan Counties in Terms of Social Welfare Services. *Journal of Regional Planning*, 9(34), 81-94. (In Persian)
- Mahmoodi, A., & Ziyari, Y. (2014). Evaluation of Development by Using Numerical Taxonomy in West Azerbaijan Province Border Cities. *Journal of Management*, 11(34), 35-48. (In Persian)
- Matsumoto, M. (2008). Redistribution and Regional Development Under Tax Competition. *Journal of Urban Economics*, 64, 480-487.
- Mohammadi Dehcheshmeh, M., & Alizadeh, H. (2014). The Assessing of Regional Sustainability Development in West Azerbaijan Province, With Using Recognition Analysis and Fuzzy Matter-Element. *Journal of Economy and Regional Development*, 21(7), 51-76. (In Persian)
- Moeinaddini, J. (2007). Application of Policies Concerned With the Regional Growth Development; Lessons From Experiences of the Developed Countries. *Political Science*, (7), 71-96. (In Persian)
- Mousavi, M. N. (2018). Scenario Development affecting Islamic-Iranian progress with regional planning approach (Case Study: Western Azerbaijan). *Journal of Regional Planning*, 7(28), 51-64. (In Persian)
- Nurohmah, A., Priadmojo, A., Kurnia Dewi, M., Satria, M., & Saputra, N. (2014). Analysis of Regional Development in Connection with Multi Disaster Susceptibility in Bengkulu Province. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 135, 70-75.
- Papoli Yazdi, M. H., & Rajabi Sanajerdi, H. (2012). *The Theory of Urban and Surrounding*, Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Parizadi, T., & Mirzazadeh, H. (2018). Analysis of Factors Affecting Regional Development in Iran. *Journal of Geographical Sciences*, 18(50), 179-198. (In Persian)
- Pishgahi Fard, Z., Golami, B., Mir Ahmadi, F., Veisi, A., & Khalili, S. (2013). A Study of the Effect of Geographical Shape of Ilam Province of Underdeveloped Status of the Province. *Journal of Regional Planning*, 2(8), 79-91. (In Persian)
- Pourmajidi, R., Ezatpanah, B., & Hosainzadeh Dalir, K. (2019). Investigation and Analysis of International Urban Development Strategies in Border Cities: Case Study of Iran And Turkey. *Journal of Regional Planning*, 9(34), 51-64. (In Persian)
- Ramos, T. B. (2009). Development of Regional Sustainability Indicators and the Role of Academia in This Process: The Portuguese Practice. *Journal of Cleaner Production*, 17, 1101-1115.
- Sarvar, R., Mohammadi Hamidi, S., & Waysian, M. (2014). Analysis of Development Indicators in Border Regions To Meet Sustainable Security (Case Study: Border Townships of West Azerbaijan Province). *Journal of Police Geography*, 2(7), 25-54. (In Persian)

- Shakoor, A., Zangiabadi, A., & Karimi Ghotbabadi, F. (2014). The Necessities and Reasons of Provincial Divisions in the Iran with Zonal Approach (Case Study: Fars Province). *Journal of Regional Planning*, 4(15), 1-12. (In Persian)
- Shamaei, A., Aghaei, V., Moazzeni, M., & Badali, A. (2020). The Spatial Analysis of Social Inequalities in Moghan Region. *Geographical Planning of Space Quarterly Journal*, 9(34), 225-244. (In Persian)
- Sharifzadegan, M., Joudi Gollar, P., & Azizi, H. (2011). Assessing the Strategic Plan of Tehran by Sustainable Development Approach, Using the Method of Strategic Environmental Assessment (SEA). *Procedia Engineering*, 21, 186-195.
- Taghvaei, M., & Bay, N. (2012). Assessing Impart Quantity of Counties of Golestan Province by Analytical Hierarchy Process. *Geographical Research*, 27(3), 1-20. (In Persian)
- Tavakolinia, J., & Shali, M. (2012). Regional Disparities in Iran. *Environmental Based Territorial Planning (AMAYESH)*, 5(18), 1-15. (In Persian)
- West Azerbaijan Management and Planning Organization. (2019). *Statistical yearbook of Province for 2018*. (In Persian)
- Yan, J., Xia, F., & Bao, H. (2015). Strategic Planning Framework for Land Consolidation in China: A Top-Level Design Based on SWOT Analysis. *Habitat International*, 48, 46-54.
- Zali, N., Ahmadi, H., & Faroughi, S. M. (2013). An Analysis of Regional Disparities Situation in the East Azarbaijan Province. *Journal of Urban and Environmental Engineering (JUEE)*, 7(1), 183-194.
- Zali, N. (2011). Regional Development Management by Analysing the Stage of Development (Case Study: East Azerbaijan Province). *Spatial Planning (Modarres Human Sciences)*, 15(3), 111-132. (In Persian)